

دانش و پژوهش در روان‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره بیست‌وششم - زمستان ۱۳۸۴
صص ۱۳۰ - ۱۱۵

مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری و دانش‌آموزان عادی در مدارس ابتدایی شهر شیراز

رخساره اردلان^۱ - نوشاد قاسمی^۲
پروژه پایه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

چکیده

پژوهش حاضر با توجه به اندک مطالعات انجام شده در داخل کشور و ناهمسانی نتایج در تحقیقات خارجی، درباره مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری؛ به دنبال مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی دارای نارسایی‌های یادگیری و عادی است.^۳ بدین منظور ۱۲۰ دانش‌آموز ۷ تا ۱۳ ساله (۶۰ نفر دارای نارسایی یادگیری و ۶۰ نفر عادی) با روش نمونه‌گیری گروهای جور شده از بین کلیه دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی یادگیری نواحی چهارگانه شهر شیراز انتخاب شدند. برای ارزیابی و مقایسه رشد اجتماعی این دانش‌آموزان از مقیاس رفتارهای انطباقی واینلند استفاده شده است. فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از روش آماری آزمون t گروهای وابسته بررسی شد و نشان داد که

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد فسا

۳- این پژوهش با استفاده از حمایت مالی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس انجام شده است.

میانگین نمرات آزمودنیهای عادی نسبت به آزمودنیهای دارای نارسایی‌های یادگیری در رشد اجتماعی ($P < 0/0001$ و $t = 5/83$) و خرده‌حیطه‌های مربوط، از قبیل زبان دریافتی ($P < 0/0001$ و $t = 8/4$)، ارتباط بیانی ($P < 0/0001$ و $t = 6/5$)، زبان نوشتاری ($P < 0/0001$ و $t = 5/1$)، مهارتهای شخصی ($P < 0/0001$ و $t = 4$)، مهارتهای اجتماعی ($P < 0/0001$ و $t = 4/7$) و روابط بین‌فردی ($P < 0/0001$ و $t = 3/9$)، به‌طور معناداری در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. همچنین میانگین نمرات آزمودنیهای عادی نسبت به آزمودنیهای دارای نارسایی‌های یادگیری در خرده‌حیطه‌های بازی و اوقات فراغت ($t = 3/3$) و مهارتهای کنار آمدن با دیگران ($t = 2/9$) به ترتیب در سطح $0/002$ و $0/006$ به‌طور معناداری بالاتر بوده است. تنها در خرده‌حیطه‌های مهارتهای خانگی ($t = 0/7$) بین میانگین نمرات آزمودنیهای عادی و دارای نارسایی‌های یادگیری تفاوت معناداری دیده نشد. برای هر یک از این یافته‌ها نیز توجیهاتی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: رشد اجتماعی، نارسایی‌های خاص یادگیری

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فرصت زیستن موهبتی است که خداوند متعال فقط یک بار در اختیار هر انسانی قرار می‌دهد، پس شایسته است که از آن نهایت استفاده را ببرد. رشد اجتماعی مقوله‌ای است که اگر فرد از آن برخوردار باشد احساس رضایت، کامیابی و شادی خواهد کرد، طعم شیرین زندگی را خواهد چشید و به سر منزل مقصود خواهد رسید. اما این بخش نیز همانند سایر جنبه‌های رشد، دستخوش برخی انحراف‌ها در بعضی از افراد یا گروه‌ها می‌شود. پژوهش درباره‌ی افراد با ویژگیهای خاص در حوزه‌ی روان‌شناسی از حیطه‌های پرکار این رشته است. اما در این رشته گسترده بیشتر به افرادی توجه شده که مشکلات رفتاری و رشدی آنها دارای نمود بیرونی بیشتری است.

مشکلات کودکان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری به این دلیل که علایم و نمود بیرونی و آشکار کمتری دارد، در مقایسه با سایر گروه‌های کودکان استثنایی مورد توجه و بررسی کمتری قرار گرفته‌اند و اطلاعات کمتری در مورد ویژگیها و مشکلات

آنها وجود دارد. بررسی رشد مهارت‌های اجتماعی در کودکان دارای نارسایی یادگیری از موضوعاتی است که تقریباً از دهه ۸۰ میلادی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (جانسون، ۱۹۹۵). اطلاعات به دست آمده در حوزه رشد اجتماعی این کودکان هنوز تا آن اندازه کافی و یکدست نیست که ما را به نتایج قطعی رهنمون شوند. پژوهشهایی که تاکنون صورت گرفته نتایج متفاوتی ارائه داده‌اند، از جمله کارتلیج، استاپی و کازالا^۱ (۱۹۸۶) در پژوهشی با عنوان «مهارت‌های اجتماعی و درک اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارای نارسایی‌های خاص یادگیری و عادی» با مرور مطالعات انجام شده در این زمینه، نشان می‌دهند که هر چند کاستی مهارت‌های اجتماعی تا حدی در اکثر مطالعات گزارش شده است، به نظر نمی‌رسد که کاستی مهارت‌های اجتماعی ویژگی انحصاری و تغییرناپذیر کودکان یا نوجوانان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری باشد. از سویی دیگر شواهدی نیز وجود دارد که کودکان دارای نارسایی‌های یادگیری و کودکان عادی در رشد مهارت‌های اجتماعی تفاوت اساسی ندارند (به نقل از سن میگول، فورنس و کویل، ۱۹۹۶). ناویکی (۲۰۰۳) در یک فراتحلیل با عنوان «فراتحلیلی از صلاحیت اجتماعی کودکان دارای نارسایی‌های یادگیری در مقایسه با همکلاسان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا» به مقایسه ۱۶۵۹ کودک دارای نارسایی یادگیری از سطح کودکستان تا کلاس ۱۲ با همسالان عادی آنان پرداخت. نتایج نشان داد افراد دارای نارسایی خاص یادگیری از نظر مشکلات اجتماعی در معرض خطر بیشتر قرار دارند و از نظر موقعیت اجتماعی پایین‌تر از همکلاسان عادی خود هستند.

میدان و هال (زیر چاپ) به بررسی ادراکات اجتماعی دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری در بافت‌های اجتماعی متفاوت پرداختند و نشان دادند که با در نظر گرفتن دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری به عنوان یک گروه، این افراد در زمینه اجتماعی مشکلاتی دارند که یکی از دلایل آن استفاده از شیوه واحدی است که از طریق آن اطلاعات اجتماعی را پردازش می‌کنند. هر چند دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری ممکن است در شناخت اجتماعی با همکلاسان عادی خود

تفاوت داشته باشند، پژوهشگران حضور زیرگروههایی در جمعیت دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری که ممکن است از نظر بستندگی اجتماعی متفاوت باشند را پیشنهاد کرده‌اند.

پژوهشهای (مککوناگی، ماتیسون و پترسون،^۱ ۱۹۹۴؛ گرشام^۲، ۱۹۹۷ به نقل از برایان، برستین و ارگول، ۲۰۰۴ و هیمن و مارگالیت^۳، ۱۹۹۸) نشان دادند که دانش‌آموزان دارای نارسایی یادگیری نقایصی در مهارتهایی نظیر آغاز و حفظ روابط مثبت اجتماعی دارند، پرخاشگرانه‌تر رفتار می‌کنند و رفتارهای منفی کلامی و غیرکلامی بیشتری نشان می‌دهند. معلمان گزارش می‌کنند که این کودکان نفاق افکن‌تر هستند، کمتر حس همکاری دارند، غیرحساس‌اند و کمتر مبادی آداب هستند.

همچنین دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های زبانی و یادگیری در زمینه مهارتهای زبانی - محاوره‌ای کاستی‌های پایدار و فراوانی دارند (لاپادات^۴، ۱۹۹۱؛ هنری و رید^۵، ۱۹۹۵؛ به نقل از برایان و همکاران، ۲۰۰۴). رزکایند^۶ (۱۹۸۳) الگوهای رفتاری مهارت اجتماعی را در کودکان دارای نارسایی یادگیری و عادی مطالعه کرد و دریافت که در بسیاری از رفتارها کودکان دارای نارسایی‌های یادگیری با کودکان عادی تفاوتی نداشتند. جرم^۷ و همکاران (۱۹۸۶) نیز هیچ‌گونه رابطه‌ای (مثبت و منفی) بین نارسایی در خواندن و مهارتهای اجتماعی نیافتند (به نقل از جروجان، ۱۹۸۸).

فهمی تفرشی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «مقایسه رفتار عاطفی - اجتماعی دانش‌آموزان دارای نارسایی در یادگیری و دانش‌آموزان عادی پایه دوم و سوم ابتدایی شهر تهران» به بررسی و مقایسه رفتار اجتماعی - عاطفی، صلاحیت اجتماعی، سطح اضطراب، سطح پرخاشگری، بیش‌فعالی، رشد اجتماعی و رشد عاطفی دانش‌آموزان دارای نارسایی در یادگیری و عادی پرداخت. نتایج نشان داد که رفتار عاطفی - اجتماعی دانش‌آموزان عادی نسبت به دانش‌آموزان دارای نارسایی یادگیری به‌طور معناداری در سطح بالاتری قرار داشت و دانش‌آموزان عادی صلاحیت اجتماعی بیشتری از خود نشان دادند.

1- Mc Coahaughy, Mattision & Peterson

2- Gresham

3- Heiman & Margalit

4- Lapadat

5- Henry & Reed

6- Raskind

7- Jorm

برنامه‌ریزی و ارائه خدمات به این قشر از افراد جامعه ما نیاز به مطالعات و پژوهشهای گسترده و متعدد دارد تا با استفاده از نتایج آن بتوان ضمن ارزیابی نیازهای افراد دارای نارسایی در یادگیری، خدمات مطلوب را به آنان ارائه داد و از آنجا که پژوهشهای بسیار اندکی در زمینه نارسایی‌های یادگیری و به‌خصوص رشد اجتماعی این کودکان در ایران انجام گرفته و با توجه به ابهام موجود در این زمینه، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سؤال است که آیا بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری و دانش‌آموزان عادی تفاوت وجود دارد یا خیر؟

روش

طرح پژوهش: از آنجا که هدف پژوهش حاضر بررسی یک وضعیت از قبل شکل گرفته بوده، از روش علی-مقایسه‌ای استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان عادی (۷ تا ۱۱ ساله) دوره ابتدایی مدارس شهر شیراز در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ بوده که در نواحی چهارگانه آموزش و پرورش به تحصیل مشغول بوده‌اند. دانش‌آموزان دارای نارسایی یادگیری ۱۴۰ نفر در گستره سنی ۷ تا ۱۳ بودند که در مرکز آموزش کودکان دارای نارسایی یادگیری رودکی به تحصیل مشغول بوده‌اند. این دانش‌آموزان از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز به این مرکز ارجاع داده شده و متخصصان این مرکز آنان را به‌عنوان کودک دارای نارسایی یادگیری معرفی کرده بودند.

نمونه آماری مربوط به دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری عبارت بودند از ۶۰ نفر (۴۵ پسر و ۱۵ دختر) که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ در مرکز ویژه آموزش کودکان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری آموزش می‌دیدند و از بین ۱۴۰ دانش‌آموز به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند و نمونه آماری مربوط به افراد گروه همتا، عبارت بودند از دانش‌آموزان عادی که با توجه به ویژگیهای دانش‌آموزان دارای نارسایی در یادگیری، به شیوه گروههای جور شده انتخاب شده‌اند. در همتاسازی گروهها متغیرهایی نظیر هوش، جنس، منطقه جغرافیایی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، ترتیب تولد و تعداد افراد خانواده مورد توجه بوده است.

ابزارهای پژوهش

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات لازم در مورد رشد اجتماعی از مقیاس رفتارهای انطباق واینلند^۱ استفاده شده است. مقیاس رفتارهای انطباقی واینلند ابزاری است که جنبه‌های مهمی از رفتار انطباقی انسان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و دال^۲ اولین بار در سال ۱۹۳۶ آن را منتشر کرد و در سال ۱۹۸۴ تجدید نظر گردید. این مقیاس معمولاً به‌طور مستقیم بر روی فرد اجرا نمی‌شود و با نظرخواهی از پاسخگویی که معمولاً نزدیکترین شخص به آزمودنی است می‌توان آن را تکمیل نمود (زامیاد، ۱۳۷۷). انطباق مقدماتی فرهنگی و سنجش اعتبار و پایایی فرم کلاسی این مقیاس برای استفاده در ایران را مهرجهانیان در سال ۱۳۷۶ در سطح شهر شیراز انجام داد که در پژوهش حاضر از این فرم کلاسی استفاده شده است. این فرم برای کودکان ۳ تا ۱۳ سال تهیه شده و شامل ۲۱۵ ماده است. در پژوهش مهرجهانیان (۱۳۷۶) پایایی این فرم با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۹ و روایی سازه به روش تحلیل عامل ۰/۹۲ گزارش شده است.

هر چند ارزیابی هوش کودکان دارای نارسایی یادگیری با استفاده از مقیاس هوش وکسلر را مسؤول تشخیص مرکز آموزش کودکان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری انجام داده بود، در پژوهش حاضر به دلیل وقتگیر و هزینه‌بر بودن اجرای وکسلر و به دلیل آنکه ارزیابی هوش کودکان عادی صرفاً برای هم‌تاسازی انجام شده از آزمون ماتریس‌های پیشرونده ریون برای ارزیابی کلی از هوش گروه کودکان عادی استفاده شده است. روشهای آماری: در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، میانگین، انحراف معیار و رسم نمودار و در سطح آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t وابسته استفاده شده است.

نتایج و بحث

در پژوهش حاضر نتایج حاصل از اجرای مقیاس رفتارهای انطباقی واینلند بر روی دو گروه از دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری با هم مقایسه شده است. جدول ۱ اطلاعات لازم برای این مقایسه و نتایج حاصل از این مقایسه را نشان

می‌دهد. همان‌گونه که در جدول نشان داده شده، بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد و رشد اجتماعی دانش‌آموزان عادی از دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری بیشتر است. تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که بین عملکرد دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه‌های زبان دریافتی، ارتباط بیانی، زبان نوشتاری، مهارت‌های شخصی، مهارت‌های اجتماعی، روابط بین فردی، بازی و اوقات فراغت و مهارت‌های کنار آمدن با دیگران تفاوت معناداری وجود دارد و عملکرد دانش‌آموزان عادی از دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در اغلب این حیطه‌ها بهتر است. همچنین بین عملکرد دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه‌های مهارت‌های خانگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۱- مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های خاص یادگیری و عادی

متغیر	گروه	دارای نارسایی‌های خاص یادگیری		عادی		سطح معناداری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
رشد اجتماعی	۳۰۶/۶۸	۳۶/۷	۳۳۶/۶۸	۴۰/۶	۵/۸۳	۰/۰۰۰۱
زبان دریافتی	۱۷/۳	۲/۳	۱۹/۷	۱/۱	۸/۴	۰/۰۰۰۱
ارتباط بیانی	۴۵/۷	۵/۷	۵۰/۱	۳/۴	۶/۵	۰/۰۰۰۱
زبان نوشتاری	۲۴/۱	۷	۲۹	۶/۳	۵/۱	۰/۰۰۰۱
مهارت‌های شخصی	۶۴/۵	۷/۱	۶۸/۱	۳/۷	۴	۰/۰۰۰۱
مهارت‌های خانگی	۲۴/۵	۶/۸	۲۵/۴	۷/۸	۰/۷	$P > 0/05$
مهارت‌های اجتماعی	۵۸/۶	۹/۹	۶۳/۷	۱۰/۱	۴/۷	۰/۰۰۰۱
روابط بین فردی	۲۵/۴	۴/۵	۲۸	۱/۴	۳/۹	۰/۰۰۰۱
بازی و اوقات فراغت	۲۲/۶	۴/۱	۲۵/۳	۵/۱	۳/۳	۰/۰۰۰۲
مهارت‌های کنار آمدن با دیگران	۲۳/۹	۷/۲	۲۷/۳	۶/۷	۲/۹	۰/۰۰۰۶

نتایج حاصل از این پژوهش با اکثر تحقیقات انجام شده در سایر کشورها و اندک تحقیقات صورت گرفته در داخل کشور همسو می‌باشد. بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های کارلسون (۱۹۸۷)، اسکامیکر و دشلر (۱۹۹۵)، گادینه (۲۰۰۳)، ناویکی (۲۰۰۳)، آلیاگان (زیر چاپ)، مرویان حسینی (۱۳۷۵) و فهیمی تفرشی (۱۳۸۱) همسویی دارد. در توجیه این یافته‌ها می‌توان نظریات مطرح شده پژوهشگران این حیطه را بررسی کرد. نظر برخی بر این است که نارسایی یادگیری کودک ممکن است رشد بهنجار رابطه والدین - فرزند را تحت تأثیر قرار دهد و بر رشد مهارت‌های اجتماعی تأثیر منفی بگذارد (رخشان، ۱۳۶۷). در مدرسه نیز این کودکان بیش از دیگران از معلمان خود تقویت منفی دریافت می‌دارند و معمولاً از جانب همسالان عادی خود طرد می‌شوند و مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرند و احتمال اینکه بازیچه دست قلدان مدرسه قرار گیرند بیشتر است. آلت دست قرار گرفتن ابتدا اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد و سپس باعث کم شدن ارتباط اجتماعی می‌شود و به تدریج افسردگی، اضطراب اجتماعی، طرد اجتماعی، انزوا و گوشه‌گیری و کاستی مهارت‌های اجتماعی در بیشتر ابعاد بسندگی اجتماعی رهاورد آن خواهد بود (ناویکی، ۲۰۰۳).

همان‌گونه که اشاره شد تحلیل بیشتر حاکی از تفاوت بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده حیطه‌های رشد اجتماعی است. در زیر به بخشی از این یافته‌ها و توجیه احتمالی آنها می‌پردازیم.

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده حیطه زبان دریافتی تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های برخی محققان (فییان^۱، ۱۹۵۵؛ به نقل از جروجان، ۱۹۸۸؛ باچارا^۲، ۱۹۶۹ به نقل از ویس، ۱۹۸۴؛ برایان و برایان، ۱۹۷۸ و لاپادات، ۱۹۹۱ به نقل از برایان و همکاران، ۲۰۰۴) همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد بسیاری از کودکان مبتلا به نارسایی‌های یادگیری در فراگیری زبان مراحل رشد بهنجار را طی نمی‌کنند و سرعت و کارایی بسیاری از کودکان بهنجار در فراگیری زبان را ندارند

(والاس و مک‌لافلین، ۱۳۷۳). این کودکان تفاوت‌هایی در مهارت‌های پردازش زبان با کودکان عادی دارند، یعنی زمانی که در جریان سریع تعاملات زندگی روزانه قرار می‌گیرند، ممکن است بیشتر به نشانه‌های حرکتی توجه کنند و نشانه‌های کلامی و صوتی جزئی‌تر و مرتبط‌تر را از دست بدهند (ویس، ۱۹۸۴). همچنین بین این کودکان و همسالان، والدین و معلمان‌شان ارتباط ضعیفی برقرار است که با کاستی مهارت‌های ارتباطی در این کودکان مرتبط می‌باشد (جروجان، ۱۹۸۸).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه ارتباط بیانی تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های لاگریکا و مسیو (۱۹۸۱)، برایان و همکاران (۱۹۸۱ به نقل از مارکاسکی، ۱۹۸۳) همسو می‌باشد. در تبیین آن می‌توان اظهار داشت مشکلات در زمینه ارتباط بیانی ممکن است ناشی از نقص در ادراک اجتماعی کودکان دارای نارسایی در یادگیری باشد که یادگیری رفتارهای اجتماعی دقیق را برای این کودکان مشکل می‌سازد و حساسیت فرد را نسبت به موقعیت‌های اجتماعی کاهش می‌دهد و او را مستعد انجام دادن و گفتن چیزهای نامناسب می‌کند (مارکاسکی، ۱۹۸۳). مهارت‌های ارتباطی - محاوره‌ای و پیشقدم شدن در موقعیت‌های اجتماعی به پذیرش فرد در گروه کمک می‌کند و کودکان دارای نارسایی در یادگیری در این دو حیطه مشکل دارند (لاگریکا و مسیو، ۱۹۸۱).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه زبان نوشتاری تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های (نیولد، ۱۹۹۳؛ هنری ورید، ۱۹۹۵ به نقل از برایان و همکاران، ۲۰۰۴) همسویی دارد. شایستگی در زمینه روابط با دیگران نیاز به یادگیری عناصر زبان مانند درک مطلب، دستور زبان و علم معانی و قواعد استفاده از زبان در ارتباطات اجتماعی دارد که دانش‌آموزان دارای نارسایی در یادگیری مشکلات پایدار و فراگیری در این زمینه دارند. مطالعات نشان داده‌اند که بین مهارت‌های زبانی، عملکرد تحصیلی و وضعیت اجتماعی رابطه وجود دارد (برایان و همکاران، ۲۰۰۴). مشکل اصلی اکثر کودکان دارای نارسایی در یادگیری ناتوانی در سازمان دادن به افکار خویش و تبدیل آنها به شکل صحیح ارتباط نوشتاری است. بسیاری از این کودکان قادرند به‌طور شفاهی افکار خود را به اختصار بر زبان آورند، اما در برقراری

ارتباط منطقی به شکل نوشتاری به کلی عاجزند. سوابق تجربی آنان ناکافی یا محدود است، کودکانی که تماس زیادی با زبان شفاهی داشته باشند، احتمالاً برای برقراری ارتباط نوشتاری مجهزتر خواهند بود (والاس و مک‌لافلین، ۱۳۷۳).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه مهارت‌های شخصی تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های (ادگار، ۱۹۸۷؛ هالپرن و بنز، ۱۹۸۷؛ هارینگ، لاوت و اسمیت، ۱۹۹۰ به نقل از کرانین، ۱۹۹۶) همسو می‌باشد. در توجیه یافته‌های حاصل می‌توان اظهار داشت برنامه‌های آموزشی برای بسیاری از دانش‌آموزان دارای نارسایی در یادگیری، آنان را برای نیازها و مهارت‌های زندگی شخصی و اجتماعی آماده نمی‌سازد و انگیزش و تعهد لازم برای کسب مهارت‌های زندگی را در آنان به وجود نمی‌آورد و بسیاری از آنها چون تجارب حاصل در مدرسه را برای زندگی روزانه و شخصی خود مفید نمی‌یابند در همان سال‌های آغازین دبیرستان ترک تحصیل می‌کنند و همچنین باید توجه داشت که مهارت‌های زندگی تحت تأثیر مفاهیم و زمینه‌های فرهنگی و بومی قرار دارند (پاتن، کرانین، باست و کاپل، ۱۹۹۷). اما اغلب معلمان، مدیران و والدین تصور می‌کنند که افراد دارای نارسایی‌های یادگیری در زمینه مهارت‌های زندگی شخصی نیازی به آموزش رسمی ندارند و می‌توانند این مهارت‌ها را خودشان یاد بگیرند یا والدینشان به آنها یاد دهند یا از گروه همسالان بیاموزند، اما مطالعات نشان داده است که بسیاری از دانش‌آموزان دارای نارسایی در یادگیری مهارت‌های زندگی شخصی را خود به خود نمی‌آموزند (کرانین، ۱۹۹۶).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه مهارت‌های خانگی تفاوت وجود ندارد. این یافته‌ها با یافته‌های (رزت‌نایند، ۱۹۸۳ به نقل از جروجان، ۱۹۸۸)، (کارتلیج و همکاران، ۱۹۸۶ به نقل از سن میگول و همکاران، ۱۹۹۶) و کویل و فورنس (۱۹۹۶) همسو است که در تبیین آن می‌توان اظهار داشت دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری در برخی حوزه‌های اجتماعی عملکردی همسطح همسالان خود دارند (کرانین، ۱۹۹۶) و به نظر نمی‌رسد که کاستی مهارت‌های اجتماعی و ویژگی انحصاری و تغییرناپذیر افراد دارای نارسایی یادگیری باشد (سن میگول و همکاران، ۱۹۹۶) و به این گونه نیست که هر فرد کلیه کاستی‌ها را داشته باشد. هیچ

فردی تمام کاستی‌ها را نشان نمی‌دهد، بلکه آنچه در رفتارهای فرد قابل مشاهده است بستگی به ماهیت فرد دارای نارسایی یادگیری و نقاط ضعف و قوت ویژه فرد دارد (جانسون، ۱۹۹۵).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه مهارت‌های اجتماعی تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های کارلسون (۱۹۸۷)، اسکامیکر و دشلر (۱۹۹۵)، کویل و فورنس (۱۹۹۶)، ناویکی (۲۰۰۳)، گادینه (۲۰۰۳) و میدان و هال (زیر چاپ) همسو می‌باشد. نقص در مهارت‌های اجتماعی در کودکان دارای نارسایی در یادگیری ممکن است در نتیجه مشکل در ادراک صحیح خلیات، حالات و نیت دیگران باشند این مشکلات در نهایت منجر به نومی‌دی و انزوای این افراد می‌گردد (ویس، ۱۹۸۴). کفایت در مهارت‌های اجتماعی با پذیرش و محبوبیت پیوند دارد و مهارت‌های اجتماعی ضعیف با نادیده گرفته شدن و طرد شدن همراه است (ناویکی، ۲۰۰۳). عزت‌نفس پایین‌تر، دوستان کمتر و مشکلات در ارتباط با دیگران در کودکان دارای نارسایی در یادگیری در مقایسه با کودکان عادی با فراوانی بیشتری دیده می‌شود که مشکلاتی را در زمینه کفایت اجتماعی و کسب مهارت‌های اجتماعی ایجاد می‌کند (جانسون، ۱۹۹۵). به‌طور کلی احتمالاً شکست‌های تحصیلی و عدم محبوبیت مشهود آنان باعث می‌شود که دنیا را مکانی خصمانه و نه دوستانه تصور کنند (رخشان، ۱۳۶۷).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه روابط بین‌فردی تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های گرشام (۱۹۹۷)، هیمن و مارگالیت (۱۹۹۸) سیگافوس (۱۹۹۵) به نقل از برابان و همکاران، (۲۰۰۴) همسو می‌باشد. یکی از دلایل مشکلات افراد دارای نارسایی در یادگیری در زمینه اجتماعی، استفاده از شیوه واحدی است که از طریق آن اطلاعات اجتماعی را پردازش می‌کنند یعنی ممکن است در زمینه شناخت اجتماعی تفاوت‌هایی با افراد عادی داشته باشند (میدان و هال، زیر چاپ). همچنین مشکلات در روابط بین فردی ممکن است ناشی از کاستی در ادراک اجتماعی کودک باشد. چون یادگیری رفتار دقیق اجتماعی ممکن است به‌خصوص برای کودک دارای نارسایی در یادگیری مشکل باشد، این کودکان نسبت به موقعیت‌های اجتماعی حساس نیستند (مارکاسکی، ۱۹۸۳). کودکان دارای نارسایی در

یادگیری در تعاملات شخصی خودپنداره اجتماعی پایین‌تر، منبع کنترل بیرونی و اضطراب بیشتر و انتظار موفقیت‌های کمتر دارند، دیگر اینکه این کودکان کمتر محبوبیت دارند و از سوی گروه همسالان بیشتر طرد می‌شوند. همچنین محبوبیت کمتری نزد معلمان و والدین دارند (کارلسون، ۱۹۸۷). باید توجه داشت که اکثر مهارت‌های اجتماعی در روابط مستقابل کودکان با یکدیگر و یا بزرگسالان آموخته می‌شود (والاس و مک‌لافلین، ۱۳۷۳).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه بازی و اوقات فراغت تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های برالین و دالانزو^۱ (۱۹۷۹)، کلارک^۲ (۱۹۷۹)، ستلینگتن (۱۹۸۱)، ویمر (۱۹۸۱)، ادگار (۱۹۸۷)، هالپرن و بنز (۱۹۸۷؛ به نقل از کرانین، ۱۹۹۶) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت تدابیر بسیار اندکی برای پیشرفت عملکرد اجتماعی از طریق فراهم‌سازی تجارب مثبت گروهی، نظیر بازبهای گروهی و فعالیتهای هنری برای کودکان دارای نارسایی در یادگیری به کار می‌رود. برخلاف سایر کودکان، فرصت شرکت در برنامه‌های تفریحی و اوقات فراغت برای این کودکان محدود است و موانعی بر سر راه این کودکان قرار دارد. بسیاری از والدین از تشویق کودکان دارای نارسایی در یادگیری برای شرکت در فعالیتهای تفریحی به دلیل مشکلاتی که کودکانشان با آن روبه‌رو می‌شوند، بیمناک هستند و این کودکان شانس اندکی دارند که در فعالیتهای تفریحی و ورزشی که به صورت گروهی در مدرسه یا فوق برنامه تشکیل می‌شود، شرکت داده شوند. از طرف دیگر والدین این کودکان هزینه و وقت زیادی باید صرف مشکلات تحصیلی آنان نمایند و به همین دلیل ممکن است بودجه و وقت آنان برای فعالیتهای ورزشی و اوقات فراغت محدود باشد (لاگریکا و مسیو، ۱۹۸۱). نکته دیگر اینکه مشکلات در دوستیابی منجر به انزوای شخصی می‌شود. بدون داشتن همسالان صمیمی که بتوان با آنان اوقات فراغت را گذراند شانس فرد برای انتخاب فعالیتهای مربوط به بازی و اوقات فراغت کاهش می‌یابد (جانسون، ۱۹۹۵).

بین دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های خاص یادگیری در خرده‌حیطه مهارت‌های کنار آمدن با دیگران تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های برخی محققان (برایان، ۱۹۷۴؛ برایان و برایان ۱۹۷۸ به نقل از مارکاسکی، ۱۹۸۳؛ کلارک، ۱۹۷۹؛ ستلینگتن، ۱۹۸۱ به نقل از کرانین ۱۹۹۶) همسو می‌باشد. دانش‌آموزان دارای نارسایی در یادگیری نقص‌هایی در مهارت‌هایی نظیر آغاز و حفظ روابط مثبت اجتماعی دارند، پرخاشگرانه‌تر رفتار می‌کنند و رفتارهای منفی کلامی و غیرکلامی بیشتری نشان می‌دهند. معلمان گزارش می‌کنند که این کودکان نفاق‌افکن‌تر هستند، کمتر حس همکاری دارند، غیرحساس بوده و کمتر مبادی آداب می‌باشند. همچنین همسالان آنان را پرخاشگرتر و نفاق‌افکن‌تر ارزیابی می‌کنند. از طرف دیگر ارتباط قوی بین عواطف مثبت و منفی و روابط اجتماعی و یادگیری وجود دارد. عواطف مثبت بخشش و نوع‌دوستی و احساسات مثبت در مورد خویش را افزایش می‌دهد و اغلب افراد به دنبال همنشینی و معاشرت با کسانی هستند که عواطف مثبت نشان می‌دهند. مطالعات زیادی که دانش‌آموزان عادی و دارای نارسایی‌های یادگیری را مقایسه کرده‌اند به این نتایج دست یافته‌اند که دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری عواطف منفی نظیر افسردگی، اضطراب و احساس تنهایی را بیشتر تجربه می‌کنند (برایان و همکاران، ۲۰۰۴).

در این بخش با توجه به پیشینه پژوهش و نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهادهایی ارائه گردیده است: از آنجا که هر فرد دارای نارسایی یادگیری منحصر به فرد است بهتر است تا حد امکان براساس نقاط ضعف و قوت شخصی و ماهیت دارای نارسایی یادگیری، آموزشها و راهبردها به‌طور انفرادی بر روی این افراد اجرا شود و واحدهای درسی آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی در کلیه دوره‌های تحصیلی گنجانده شود که به خصوص برای دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری این مسأله بسیار سودمند است. با دایر کردن کلاسهای آموزش رشد اجتماعی در مراکز ویژه دارای نارسایی‌های یادگیری می‌توان به‌منظور ارتقای رشد اجتماعی این کودکان گام‌های مؤثری برداشت و حتی آموزش مدرسه‌ای این کودکان را در کلاس‌هایی که اساس کار آنان پرورش مهارت‌های اجتماعی است، انجام داد. مطالعاتی که در زمینه دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های یادگیری در ایران صورت گرفته کمتر به مسائل اجتماعی آنان پرداخته، لذا

پیشنهاد می‌شود تحقیقات دیگری در سایر مناطق کشور صورت پذیرد و همچنین پژوهشهایی در زمینه تأثیر آموزش مهارتهای اجتماعی بر روی کودکان دارای نارسایی در یادگیری انجام شود. امید است روزی برسد که کمتر شاهد مشکلات این قشر از افراد جامعه در دوران کودکی و زندگی بزرگسالی باشیم.

منابع

- رخشان، فریدون. (۱۳۶۷). *ناتوانیهای یادگیری*، تهران، نیما.
- زامیاد، عباس. (۱۳۷۰). *مقیاس رفتار انطباقی واینلند، کرمان*، انتشارات عظیمی.
- فهیمی تفرشی، لیلا. (۱۳۸۱). «مقایسه رفتار عاطفی - اجتماعی دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری و دانش‌آموزان عادی پایه دوم و سوم ابتدایی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- مرویان حسینی، رضا. (۱۳۷۵). «مقایسه مشکلات روانی، رشد اجتماعی و عزت‌نفس دانش‌آموزان پسر با اختلالات خواندن و نوشتن با دانش‌آموزان عادی پایه دوم ابتدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم.
- مهرجهانیان، بهرخ. (۱۳۷۶). «ترجمه، انطباق مقدماتی فرهنگی و سنجش اعتبار و پایایی مقیاس رفتارهای انطباقی واینلند: فرم کلاسی برای استفاده در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- والاس، جرالند و جیمز آمک‌لافلین. *ناتوانیهای یادگیری، مفاهیم و ویژگیها*، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، (۱۳۷۳)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

AL-YAGON, MICHAL (in press). "Patterns of close relationship and socio-emotional and academic adjustment among schoolage children with learning disabilities". Learning disabilities research and practice.

BRYAN, TANIS., BURSTEIN, KAREN., ERGUL, CEVRIYE. (2004). "The social-emotional side of learning disabilities: A science-based presentation of the state of the art. Learning disability quarterly, Volume 27.

- CARLSON, CINDY I. (1987). "*Social interaction goals and strategies of children with learning disabilities*". Journal of learning disabilities, volum 20, Number 5.
- CRONIN, MARY E. (1996). *Life skills curricula for strudents with learning disabilities: A Review of the literature*. Journal of Learning disabilities, volum 29, Number 1.
- GADEYNE, ELS. (2003). "*Psychosocial functioning of young children with learning problem: A longitudinal study*". DAI, C 64/OZ, P. 279.
- GROGAN, SARAH C. (1988). "*Nonverbal communication in children with readin problems*". Journal of learning disabilities, Volume 21, Number 6.
- JOHNSON, JANET. (1995). "*Learning disabilities: The impact on social competencies of adults*". Journal of leisirability, volume 22(3).
- KAVALE, K.A., FORNESS, S.K.(1996). "*Social skills deficits and learning disabilities: A meta-analysis*". Journal of learning disabilities, 29, 226-237.
- LA GRECA, ANNETTE M., MESIBOV, GRAY B. (1981). "*Facilitating Interpersonal Functioning with Peers in learning-disabled children*". Journal of learning disabilities, volume 14, Number 4.
- MARKOSKI, BARBARAD. (1983). "*Conversational Interactions of the learning disabled and Nondisabled child*" Journal of learning disabilities, volume 16, Number 10.
- MEADAN, HEDDA., HALLE, JAMES, W (in Press). "*Social perceptions of students with learning disabilities who differ in social status*". Learning disabilities research and practice.
- NOWICKI, ELIZABETH, A. (2003). "*A Meta-Analysis of the social competence of children with learning disabilities compared to classmates of low and average of high achievement*". Learning disabilities quarterly, volume 26.
- PATTON, JAMES R., CRONIN, MARY E., BASSETT, DIANES., KOPPEL ANNIE E. (1997). "*A life skills approach to mathematics Instruction: Presparing students with learning disabilities for the Real-life math demands of adulthood*" Jouunal of learning disabilities, volume 30, Number 2, 178-187.

SAN MIGUEL, STEPHANIE K., FORNESS, STEVEN R., KAVALE, KENNETH A. (1996). "*Social skills deficits in learning disabilities: The psychiatric comorbidity hypothesis*". Learning disabilities, volume 19.

SCHUMAKER, JEAN B., DESHLER, DONALD. D. (1995). "*Social skills and learning disabilities*". LDA Newsbriefs.

WEISS, ELIZABETH. (1984). "*Learning disabled children's understanding of social Interactions of Peers*". Journal of learning disabilities, volume 17, Number 10.



وصول: ۸۳/۱۲/۲۴

پذیرش: ۸۴/۶/۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنٹل جامع علوم انسانی